



تولد امام موسی صدر و خانواده بزرگ صدرها

او زنده است

● خانواده صدر، اصلاً اهل شهر «صور» در جنوب لبنان و شیعه هستند. جد بزرگ این خانواده، سید صالح موسوی عاملی (شرف الدین) تحت فشار حکومت عثمانی، بعد از کشته شدن فرزندش به عراق و از آنجا به ایران مهاجرت کرد. نسل‌های بعدی این خانواده به دلیل تحصیل یا تبلیغ دین یا هر دو، بنا به ضرورت، در عراق، اصفهان، قم یا مشهد ساکن شدند. این خانواده، از خانواده‌های اصیل و بانفوذ شیعه محسوب می‌شود که نسبت‌های درون فامیلی پیچیده‌ای، آنها را به اسامی آشنا و مهم دیگری در تاریخ معاصر شیعه پیوند می‌دهد؛ پیوندهایی که ما سعی کرده‌ایم در این درخت خانوادگی به آنها اشاره کنیم. بهانه‌اش هم سالگرد تولد امام موسی صدر، یکی از معروفترین و مهم‌ترین اعضای این خانواده.



لبنان، ۵۰ سالگی: عکس را دکنتر چمران گرفته



نجف، ۲۶ سالگی



قم، ۱۷ سالگی



قم، ۱۰ سالگی

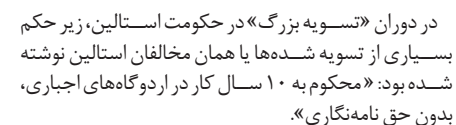
«آنها نمرده‌اند، زنده هم نیستند؛ آنها ناپدید شده‌اند.» این توضیحی بود که رئیس‌جمهور آرژانتین در یک کنفرانس مطبوعاتی درباره ۳۰ هزار نفری که بین سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳ در این کشور ربوده و ناپدید شده‌اند، داد. آمریکای لاتین یکی از مهم‌ترین مراکز آدم ربایی و ناپدیدشدگی در دنیاست و دهه ۷۰ اوج این اتفاق است. دولت نظامی آرژانتین، تحت عملیاتی به نام «کندر»، مخالفان سیاسی‌اش را می‌دزدید، به آنها مواد مخدر تزریق می‌کرد و روی اقیانوس اطلس از هواپیما پرتشان می‌کرد بیرون. از این آدم‌ها، بعد از این، هیچ ردی در جایی وجود نداشت. آنها نه زنده بودند، نه مرده؛ آنها ناپدید شده بودند.

دو سال از شروع عملیات کندر در آرژانتین و سه سال از ربوده و ناپدید شدن کارلوس لورکا - رهبر حزب سوسیالیست شیلی - به دست کلنل‌های رژیم پینوشه می‌گذشت که کلنل دیوانه دیگری، جایی در این سوی اقیانوس اطلس به سرش زد با آدمی که مزاحمش بود و با یکی از مخالفانش، همین معامله را بکند. سید موسی صدر - رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان - ۳۱ اوت ۱۹۷۸ به دعوت رسمی کلنل معمر قذافی برای مذاکره درباره مسائل لبنان که درگیر جنگ داخلی فرساینده بود، به طرابلس رفت و هیچ‌گاه برگشت.

ادعای کلنل هنوز بعد از ۳۰ سال این است که سید موسی صدر و دو همراهش، لیبی را به مقصد رم ترک کرده‌اند و او بعد از آن دیگر خبری از مهمانش ندارد.

امام موسی صدر اولین کسی نیست که به دلیل «ناپدیدشدگی اجباری» (Forced Disappearance؛ نامی که اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل به این پدیده داده است) از حق زیستن و آزاد بودن محروم شده است و احتمالاً آخرین آنها هم نیست (سال ۱۹۹۵ دولت چین پسرک ۶ ساله‌ای را که قرار بود دالایی‌لامای بعدی تبت باشد، دزدید و تا الان کسی نشانی از او ندیده است) اما بدون تردید از تأثیرگذارترین آنهاست؛ فردی که اگر در این ۳۰ سال حق حیات می‌داشت، احتمالاً معادلات سیاسی خاورمیانه در حال حاضر، شکل دیگری داشت.

ناپدید کردن آدم‌ها شاید بی‌رحمانه‌ترین و غیر انسانی‌ترین روشی باشد که دیکتاتورها و صاحبان قدرت برای حذف مخالفان‌شان در پیش می‌گیرند؛ روشی که سابقه مکتوب و مستند آن به اوایل قرن ۱۵ میلادی می‌رسد؛ وقتی هانری چهارم این بلا را سر پرنس ولز آورد. نکته‌ای که می‌ماند، این است که ما در برابر این بی‌رحمی چه کار باید بکنیم یا چه کار می‌توانیم بکنیم؟



این آدم‌ها وجود داشتند، زنده بودند و جایی در اردوگاهی پرت، داشتند کار اجباری می‌کردند اما در واقع مرده بودند؛ چون مخاطب کسی نبودند و کسی هم مخاطب آنها نبود؛ چون کم‌کم مردم درباره آنها حرف نمی‌زدند و کم‌کم درباره آنها فکر نمی‌کردند. شاید کمترین کاری که ما می‌توانیم در حق سیدموسی صدر انجام بدهیم؛ این است که به او فکر کنیم و درباره او حرف بزنیم؛ این کمترین کاری است که می‌توانیم در حق او، نه حتی به عنوان یک رهبر سیاسی بلکه به عنوان انسانی که به دلیل ناپدیدشدگی اجباری از حق زیستن، آزاد بودن و مخاطب داشتن محروم شده است، انجام بدهیم.

ما برای سالگرد تولد آن مرد بزرگ، در اینجا یادی کرده‌ایم از او و از خاندانش. خاندانی که در نیم قرن اخیر اسم آنها را در اخبار منطقه و جهان زیاد شنیده‌ایم؛ خاندان بزرگ صدر.